

سیاست‌های ادبیات کودک

وب جین ای

مترجم: مریم حسین‌زاده

از مشتری داشته باشند و تحت چنین شرایطی، تبلیغات، قدرتمندترین نیرو محسوب می‌شود. این مشتری‌های بزرگسال سردرگم، از کجا باید اطلاعات و راهنمایی‌ها را به دست بیاورند؟ کاتالوگ‌های ناشران، حاوی چکیده‌هایی است که غالباً قبل از آماده شدن خود کتاب نوشته می‌شوند. چه فشار زمانی سنگینی بر صنعت نشر وارد می‌شود! قطعاً مراکز نشر به دنبال گمراه کردن افراد نیستند، ولی این سؤال مطرح می‌شود که با وجود چنین فشارهایی تا چه اندازه می‌توانند درست عمل کنند؟ اطلاعات موجود در مورد کتاب‌های کودکان، به پانزده دقیقه برنامه هفتگی رادیو بی‌بی‌سی با نام «جزیره گنج»، ساخت **مایکل روزن** محدود می‌شود.

اگرچه این برنامه، برنامه بسیار خوبی است، وقتی در طول یک سال زمان کوتاهی به کتاب کودک اختصاص داده می‌شود، به نحو تاسف‌انگیزی محدود می‌شود. با این همه و به عنوان مثال در سوئد، برنامه تلویزیونی پیوسته و طولانی در مورد نقد کتاب کودکان پخش

انتخاب کتاب کودک، براساس آن‌چه بزرگ‌ترها در کودکی می‌خواندند یا آن‌چه تصور می‌شود خوب است و همچنین توصیه فروشنده و انتخاب‌های اتفاقی و تصادفی انجام می‌شود. با وجود ملاحظات فعلی نشر و بازار، مدت‌هاست به وضوح می‌توان مشاهده کرد که چگونه دنیای سیاست کتاب کودک، اعمال نظر و انتخاب را از بزرگ‌ترها سلب کرده است. همان‌طور که بحث شد، محدودیت فهرست کتاب‌های موجود، پیوسته دانش بزرگ‌ترها از کتاب کودک را فاسد می‌کند و در نتیجه، یکی از رایج‌ترین شیوه‌های انتخاب کتاب از بین رفته است. قرار دادن کتاب‌های آشنای مورد علاقه بزرگ‌ترها در اختیار کودکان نیز مورد نظر قرار گرفته است؛ بزرگ‌ترها با خواندن کتاب‌های آشنا، عشق سال‌های کودکی خود را به یاد می‌آورند و احساس قدرشناسی خاصی را به نسل‌های بعد منتقل می‌کنند. ارتباطات از چندین نظر بسیار تعیین کننده شده‌اند. بزرگ‌ترها دیگر نمی‌توانند به دانش قبلی خود تکیه کنند و فروشندگان هم ممکن است خرده دانشی بیش‌تر

می‌شود که مجری آن فردی تحصیل کرده و دانشگاهی است و این برنامه، محبوب‌ترین منبع اطلاعات و سرگرمی برای کودکان و بزرگسالان محسوب می‌شود. از رسانه‌ای که غالباً تهدیدی برای کتاب محسوب می‌شود، هم‌اکنون به عنوان ابزاری تبلیغاتی بدون اهداف تجاری استفاده می‌شود.

اطلاعات موجود درباره کتاب‌های کودکان را کاملاً می‌توان به اطلاعاتی در راستای منافع تجاری و غیرتجاری تقسیم کرد. کاتالوگ‌های ناشرین و اطلاعات منتشر شده از جانب باشگاه کتاب خوانان، باید تبلیغاتی باشند. در حالی که ظاهراً بر منابع غیرتجاری چنین فشار شدیدی اعمال نمی‌شود. توصیه‌های مجله‌های آموزشی و تخصصی، مؤسسات خیریه، مانند بنیاد کتاب کودک و خدمات کتابخانه‌ها هنوز هم به عنوان راهنمایی در انتخاب برندگان کتاب کودک، در

جنبه‌های تبلیغاتی جای داده می‌شود. غالباً این جوایز را انتشارات فراهم می‌کنند و در تعداد معدودی از آن‌ها، از نظر کودکان استفاده می‌شود. «برنده شدن»، نشان دهنده این است که اثر «خوب» است. حال این‌که این ارزش چگونه ارزیابی می‌شود، برای عموم یک راز باقی می‌ماند. از همه این‌ها گذشته، قدرت برجسب جایزه آن قدر زیاد است که ناشران جلد شمیاز، از جلدهای مزین به نشان جایزه استفاده می‌کنند و این حاکی از آن است که خریداران، بی‌تأمل آن کتاب را انتخاب می‌کنند.

در فضای انگلیس امروز، جایی که دولت از طریق تدوین و اصلاح یک برنامه درسی همگانی، نفوذ بسیاری در آموزش دارد، معیارهای انتخاب بسیار حائز اهمیت است. تغییرات مداوم، همراه با بار مسئولیت بیش‌تر بر دوش والدین که ناشی از نگرانی‌های آن‌ها در مورد کیفیت آموزشی است که به فرزندان‌شان داده می‌شود، منجر به این می‌شود که کتاب‌های بیش‌تری را که «خوب» تلقی می‌شوند، برای بچه‌ها بخرند. معیار این «خوب بودن»، آن است که نام آن کتاب در فهرست کتاب‌های پیشنهادی دولت، در برنامه درسی همگانی موجود باشد. تفکرهای سیاسی حزبی، بیش‌ترین تأثیر را بر دنیای خیالی کودکان ما اعمال می‌کنند. تجارت و سیاست در دنیای ادبی، خصوصاً زیر نظر دولتی که به قدرت بازار اعتقاد دارد، کاملاً دست به دست یکدیگر داده‌اند. آمار موجود در کتاب‌فروشی‌ها، بیانگر تأثیر بسیار ناچیز رکود اقتصادی بر فروش کتاب کودک است. زیرا خریداران از طبقه متوسط و والدینی هستند که در آرزوی فراهم آوردن آن چیزی هستند که نیاز آموزشی تلقی می‌شود.

مشارکت مستقیم والدین در مدارس، غالباً معطوف به کتابخانه‌هاست. کتابداران مدارس متوسطه،



منظور به روزرسانی منابع کتاب کتابخانه، براساس یک سیستم قرض‌الحسنه، اگر نه بیش‌تر، حداقل معادل بودجه فعلی اختصاص داده شده به تهیه منبع کتابخانه‌ای یک مدرسه متوسط است. در شرایط فعلی، مدارس علاوه بر هزینه کتاب‌ها، حداقل به دوبار سرکشی سالانه برای فراهم کردن منابع نیاز دارند.

آشکار است که برای حفظ کیفیت کتابخانه مدارس، باید فشار سیاسی زیادی را تحمل کرد. این امر حتی در کاهش اعمال شده در تمهیدات مربوط به کتابخانه که روی خدمات رسانی جمعی نیز تأثیر منفی گذاشته، مشهود است. مصوبه سال ۱۹۶۴ در مورد کتابخانه‌ها، فراهم آوردن خدمات کارا و جامع را ضروری دانسته است. نخست وزیر ما، **جان میر**، در سخنرانی‌ای که در سال ۱۹۹۲ داشت، خطاب به هواداران خود تصریح کرد که «ملت‌های متمدن، اقدام به گشایش کتابخانه‌ها می‌کنند.» با وجود این، حرکت‌های سیاسی دولت او در سال ۱۹۹۳، شروع به ویران‌سازی این رویاها می‌کند. تمهیدات کتابخانه‌ای به علت فشارهای بودجه‌ای، در نتیجه تصمیمات دولت کاهش شدیدی پیدا کرد و ساعت کار کتابخانه‌ها کم شد. هم‌اکنون ۶۲ درصد از کتابخانه‌ها کم‌تر از ده ساعت در هفته کار می‌کنند. در حالی که ممکن است کتابخانه مرکزی کودکان شفیلد نیز تعطیل شود. انتشار گزارشی با نام «عمر دوباره؟ چشم‌انداز کتابخانه‌های عمومی انگلیس»، در ژوئن سال ۱۹۹۳، این تهدید آشکار و درک نادرست از خدمات کتابخانه‌ها را بیش از پیش آشکار کرد، ولی هم‌چنان تغییرات خائنه و مخفیانه‌ای اعمال می‌شود که بر کیفیت تمهیدات، خصوصاً برای کودکان تأثیر می‌گذارد.

کتاب‌فروشی‌ها تمایلی به استخدام کتابداران متخصص و آموزش دیده برای کودکان ندارند و در

تجارت و سیاست در دنیای ادبی، خصوصاً زیر نظر دولتی که به قدرت بازار اعتقاد دارد، کاملاً دست به دست یکدیگر داده‌اند. آمار موجود در کتاب‌فروشی‌ها، بیانگر تأثیر بسیار ناچیز رکود اقتصادی بر فروش کتاب کودک است

به ندرت از افرادی غیر از معلمان تشکیل شده است و غالباً در مؤسسات خیلی بزرگ، از افراد متخصص استفاده می‌شود. در حالی که کتابخانه‌های مدارس ابتدایی نیز معمولاً به وسیله معلمینی اداره می‌شود که در کنار تعهدات مربوط به کتابخانه، کل مسئولیت تدریس نیز بر دوش آن‌هاست. از این‌رو، کمک والدین برای به راه‌اندازی کتابخانه‌های بسیاری از مدارس ضروری است. معلمی که مسئولیت خاص اداره کتابخانه با اوست، در حالی که هیچ آموزش و دانش تخصصی در این مورد ندارد، برای کمک‌های تخصصی به خدمات کتابخانه‌ای مدرسه تکیه می‌کند. خلاصه این که مدارس باید این خدمات را با شرایط بودجه‌ای خریداری کنند که پیوسته به وسیله دولتی که به نیروی بازار اعتقاد دارد، تغییر داده می‌شود. در مدارس ابتدایی متوسطه، معمولاً سالانه کم‌تر از یک پوند به ازای هر نفر، به کتاب‌های کتابخانه بودجه اختصاص داده می‌شود. هزینه برآورد شده برای بازدید از خدمات کتابخانه‌ای مدارس، به

بزرگ‌ترها دیگر نمی‌توانند به دانش قبلی خود تکیه کنند و فروشندگان هم ممکن است خرده دانشی بیش‌تر از مشتری داشته باشند و تحت چنین شرایطی، تبلیغات، قدرتمندترین نیرو محسوب می‌شود

عرصه کتاب کودک، فروشندگان عادی را استخدام می‌کنند. تغییرات اعمال شده، بر انتخاب کتاب نیز تأثیر می‌گذارد. کتابداران کودک تحت فشار قرار می‌گیرند تا به جای خواندن خود کتاب‌ها، کتاب‌ها را از روی کاتالوگ‌ها انتخاب کنند. این‌گونه استنباط می‌شود که خواندنی‌های کودکان، از چنان جایگاه بی‌ارزشی برخوردار است که می‌توان بدون دیدن آن‌ها، در موردشان قضاوت کرد. نیازی به گفتن نیست که کتابداران دلسوز، به نیابت از کودکان، مخالفت‌های جدی نشان می‌دهند. کتابداران، معلمان و والدین از جانب کودکان سخن می‌گویند و دانشگاهیان نیز در بررسی موضوعات تخصصی عرصه ادبیات کودک، همین کار را می‌کنند. انجام تحقیقات و ارائه بررسی‌های نظری سازنده ادبیات کودک، براساس همان استانداردهای ادبیات بزرگسال، صرفاً نگاهی ساده‌انگارانه است. به ادبیات کودک نیز باید فرصت‌های مطالعاتی مساوی داده شده و نباید آن‌ها را به آن‌چه در صورت داده نشدن این فرصت‌ها، معیارهای بزرگ‌ترهاست، محدود کرد. اگر دنیای ادبیات کودک را به دقت بررسی کنیم، آن‌چه بیش‌تر به چشم می‌آید، استفاده از معیار بزرگ‌ترهاست. بچه‌ها در کتاب‌هایی که برای‌شان نوشته می‌شود، نقشی ندارند. در زمان نوشتن این مقاله، «خبرنامه کانون کتاب ماکارو»، تنها منبع اطلاعاتی موجود برای کودکان است و این منبع نیز اهداف تجاری خاصی را دنبال می‌کند. تا جایی که اطلاع دارم، جز جایزه سالانه «کتاب زرتنگ‌ها» هیچ منبع اطلاعاتی‌ای که به وسیله بچه‌ها گردآوری شده باشد، وجود ندارد و این منبع نیز به دنبال دستیابی به نتایج خاصی است. کودکان، گروهی به انزوا کشیده شده‌اند. مقاله‌ای که **مری آن پولین** در کنفرانس IASL بلفاست، سال گذشته ارائه داد، در مورد پرورش منتقدین خردسال با استفاده از زبان نقد بزرگسالان بوده

است. شاید راه‌هایی برای شکل‌گیری یک زبان انتقادی کودک وجود داشته باشد که مراحل لازم را برای رسیدن به مفاهیم انتقادی جامع‌تر مورد نیاز در پژوهش ادبی دربرگیرد؛ شیوه‌ای که با دادن اجازه صحبت و داشتن مخاطب به کودکان، به آن‌ها قدرتی سیاسی می‌دهد.

در طول بهار ۱۹۹۲، بررسی تحقیقاتی آزمایشی‌ای را برای پی بردن به این‌که کودکان چگونه کتاب انتخاب می‌کنند، چه دانشی از کتاب دارند، چه چیزی برای آن‌ها ارزش است و چه چیزی را دوست دارند، انجام دادم. این کار، بیش‌تر به منظور بررسی تحقیقاتی‌ای بود که زیربنای رساله دکتری محسوب می‌شود که در سپتامبر آینده نوشته خواهد شد. گروه‌های سنی مورد نظر، شامل بچه‌های ۵-۶ ساله و ۱۰-۱۲ می‌شد که دانش‌آموزان یک مدرسه ابتدایی بودند. در برنامه درسی این مدرسه، از قبل، یک برنامه منظم معرفی و بررسی کتاب وجود داشت. برای بچه‌های کوچک‌تر، این ارزیابی در یک سیستم پنج ستاره انجام می‌شد که صرفاً شامل این بود که آیا کتاب

ابتدا بسیار تأکید داشتیم که در مورد کتاب‌ها با بچه‌های دیگر هم حرف زده شود. ما که ابتدا بسیار مطمئن و مشتاق به این کار بودیم، بعد از مدتی با مشکل چگونگی بیان کتاب به شیوه‌ای زنده و جذاب مواجه شدیم. شیوه‌های سنتی بررسی کتاب، ابزار خیلی مناسبی نبوده است. می‌بایست شیوه جدیدی پیدا کرد. از میان این ۳۵ کودک، گروه کودکان بزرگ‌تر، کتاب‌های مصوری را که برای بچه‌های کوچک‌تر طرح‌ریزی شده بودند، برای‌شان می‌خواندند. این کار جدا از بررسی‌های تحقیقاتی، آموزنده‌ترین تجربه بود. به عنوان مثال، موانع از میان برداشته شدند و خوانندگان بزرگ‌تری که در مقایسه با خوانندگان هم سن و سال خود، توانایی کم‌تری در ارائه خوانشی روان داشتند توانستند جایگاه برابری کسب کنند کتاب‌های مصور، به سبب ظرافت‌هایی که غالباً خوانندگان بزرگسال به آن‌ها پی می‌برند، بسیار تحسین شدند. سپس خود بچه‌ها تصمیم گرفتند فیلمی از بررسی و نقد کتاب بسازند. این بررسی‌ها به شیوه‌های متفاوتی ارائه شد. یک گروه، شعر رپی را برای یک موسیقی موجود و براساس مضمون کتاب مورد بررسی ساختند. دیگران، داستان را جلوی دوربین می‌خواندند و آن‌ها بودند که جاهایی را که دوربین، نمای نزدیکی از خود متن می‌گرفت، مشخص می‌کردند. در حالی که باقی بچه‌ها قسمت‌هایی از داستان را اجرا می‌کردند. در قسمت‌های دیگری که بچه‌ها تصویری کمیک از شخصیت‌های معروف تلویزیونی ارائه می‌دادند که برای بحث در مورد کتابی دور هم جمع شده‌اند، عناصر دراماتیک بیشتر و بهتر شکوفا می‌شد. همه متفق‌القول بودند که عنوان کتاب و نویسندگی باید واضح باشد. این واضح بودن، الزاماً به کلمات بستگی ندارد. اخیراً یک معلم زن دوره آمادگی، در حال کار کردن روی یک پروژه تحقیقاتی بررسی کتاب

ارتباط، شیوه‌ای برای خلاصی از محیط خفقان‌آور و کنترل‌های سیاسی است

مورد قبول بچه بوده است یا خیر، ولی دلیل این مسئله مهم نبود. مقیاس‌ها از «فوق‌العاده» شروع می‌شد و تا «اقتضاح» تنزل پیدا می‌کرد. نتایج به صورت ستاره‌های کاغذی در جدولی دیواری ثبت می‌شد. بچه‌های بزرگ‌تر می‌بایست گزارشی در کتاب نقد شخصی خود می‌نوشتند. این گزارش شامل خلاصه‌ای از داستان و خوشبختانه اظهارنظرهایی در مورد شخصیت‌ها بود. هیچ کدام از این نقدها و بررسی‌ها شامل بحث با بچه‌های دیگر و معلم نبود. در اکثر مدارس انگلیسی، استفاده از تکنیک نقد کتاب که فکر می‌کنم در واقع نوعی تک‌گویی بود، تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند.

بحث‌های گروهی (گروه‌هایی از ۴ تا ۳۴ نفر) ابتدا در این مورد بود که بچه‌ها از کتاب‌ها چه می‌دانند و چرا و چگونه می‌توان از این بحث‌ها به عنوان یک ابزار ارتباطی مؤثر و مناسب سن و سطح توانایی کودکان استفاده کرد؟ انتخاب کتاب با توجه به نام نویسنده، شیوه‌ای بود که بیشتر در میان بچه‌های بزرگ‌تر مورد استفاده قرار می‌گرفت. آن‌ها بیشتر به دنبال جلد‌های زیبا و کتاب‌هایی بودند که می‌توانستند عنوان‌شان را بخوانند. «من خودم را دوست دارم»، یکی از انتخاب‌های پرطرفدار بود. اگرچه بعد از خواندن، خیلی از آن به محبوبیت یاد نمی‌شد. در حالی که «مادر موریس»، ابتدا به سبب سختی تلفظ کلمه موریس رد شد، ولی بعد به سبب ماهیت خلاقانه داستان و چند جوک زیبا که در متن کتاب آمده بود، بسیار طرفدار پیدا کرد.

پی‌نوشت

- 1- Worcester College of High Education
- 2- Chris Kloet
- 3- Gollancz Children's Books
- 4- Julia Mac Rae
- 5- Emma Marwood
- 6- Waterstone's Bookshop
- 7- Margaret Meek
- 8- Literary Innocence
- 9- Brontes
- 10- Charlotte
- 11- Lord of the Flies
- 12- William Golding
- 13- Waiting for Godot
- 14- Samuel Beckett
- 15- Sally Grindley
- 16- Mother Goose
- 17- Aiden Chambers
- 18- Bologna Book Fair
- 19- Heather Buchanan
- 20- Treasure Island
- 21- Michael Rosen
- 22- Children's Book Trust
- 23- John Major
- 24- Puffin Book Club Newsletter
- 25- Mary Ann Paulin
- 26- I Like Me
- 27- Maurice's Mum

است. او با کودکان ۴-۵ ساله در یک مدرسه شهری محروم از نظر تحصیل و سواد که یک روستای عقب‌افتاده را نیز تحت پوشش دارد، سروکار دارد. بچه‌های دیگر تبادل نظر می‌کنند و آن‌ها نیز با استفاده از نقاشی پاسخ می‌دهند. نقاشی‌ها می‌توانند از خود متن یا با استفاده از سبک شخصی بچه‌ها درباره متن باشند. در مشورتی که با بچه‌ها می‌شود، کلمات مناسب نیز به نقاشی‌ها اضافه می‌شوند. سپس ماحصل نقد، همراه با کتاب موجود برای خواندن، به کودکان داده می‌شود. این شیوه‌ها انگیزه زیادی در کودکان ایجاد می‌کند؛ علاقه به کتاب و تبادل ایده‌ها.

ارتباط، شیوه‌ای برای خلاصی از محیط خفقان‌آور و کنترل‌های سیاسی است. خوشبختانه این پروژه مرور کتاب، شبکه‌ای از ارتباطات رامیان مدارس ایجاد خواهد کرد. تاکنون هفت مدرسه در مراحل اولیه این پروژه شرکت داشته‌اند. البته، این پروژه منفعت‌های دیگری نیز دارد. معلمان با به دست آوردن دانش تخصصی از آنچه انتشار می‌یابد، از انتخاب و معیارهای ادبی خود اطمینان حاصل می‌کنند. زیرا بررسی کتاب توسط بچه‌ها، به عنوان بخشی از این پروژه، شامل جدیدترین کتب منتشر شده است که به وسیله ناشرین در اختیار آن‌ها قرار داده می‌شود. در مدارس که این طرح‌های آزمایشی انجام شده، میزان علاقه‌مندی افزایش یافته است. کودکان با خواندن، مشاهده نتیجه و تبادل افکار و احساسات، تلاش بیش‌تری می‌کنند و علاقه بیش‌تری به استفاده از کتابخانه دارند. زیرا در فعالیت جاری که روی محیطشان تاثیر می‌گذارد، حق مالکیت دارند. از فشار ناشی از کنترل‌ها و بی‌توجهی‌ها که در ابتدای این مقاله بررسی شد، انتقادات زیادی شده است. در خاتمه، رویای این حرکت جسورانه پویا، دسترسی به دانش، رویکردی دموکراتیک و دادن امکان اعمال نظر به کودکان، در دنیای پیچیده ادبیات کودک است؛ دنیایی که باید آزادانه آن را با بزرگ‌ترها تقسیم کنند.